

دیدی نو از دینی کهن

فلسفهٔ زرتشت

دکتر فرهنگ مهر

۴/۶۰۰

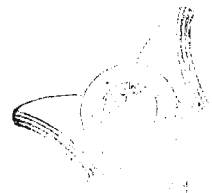

کتابخانه

دیدی نواز دینی کهن

« فلسفه‌ی زرتشت »

فرهنگ مهر

۲۶۴۵۹

مهر، فرهنگ، ۱۳۰۲ ـ
دیدی نو از دینی کهن (فلسفه‌ی زرتشت) فرهنگ مهر. ـــ [ویرایش ۲]. ـــ تهران: جامی، ۱۳۷۴.
۲۵۸ ص.
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان عطف: فلسفه زرتشت.
عنوان روی جلد: دیدی نو از دینی کهن (فلسفه زرتشت).
کتابنامه به صورت زیرنویس.
ISBN 964-5620-77-1
۱. زردشتی. ۲. زردشت، پیامبر ایرانی. الف. عنوان. ب. عنوان: فلسفه زرتشت.
۹د ۸۶م / BL ۱۵۷۱ ۲۹۵
کتابخانه ملی ایران ۲۴۴۳ ـ ۷۵م

خیابان دانشگاه، چهارراه شهید نظری، شماره ۱۶۲
تلفن ۶۶۴۰۰۲۲۳

دیدی نو از دینی کهن
نویسنده: دکتر فرهنگ مهر
چاپ ششم: ۱۳۸۴
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: دیبا
حق چاپ برای نویسنده محفوظ است
شابک: ۱ ـ ۷۷ ـ ۵۶۲۰ ـ ۹۶۴
SINB: 964 - 5620 - 77 - 1

۲۳۰۰ تومان

پیشگفتار

چاپ دوم

با نایاب شدن کتاب « **فلسفه زرتشت : دیدی نو از دینی کهن** » بر آن شدم که چاپ دوم را باتوجه به خواست ها ونکته سنجی های دلبستگان به فرهنگ ایرانی زرتشتی، به گونه‌ای فراهم آورم که بهره‌بردن از آن آسانتر شود . از اینرو ، واژه های اوستایی را آوانویسی کردم ، درباره دیدگاه های دینی ، هرجا لازم بود توضیح بیشتر دادم ، و بخشی در باره جشن های ایرانی - زرتشتی به آن افزودم تا دسترسی به آن ها برای دوستداران ، آسان باشد .

از بزرگواری « **دوست بافرهنگ و مهربانم ، مهربان فرهنگی** » که درپی آگاهی از آماده‌شدن چاپ دوم این کتاب ، دلخواهانه به یاری شتافت ، از ژرفای دل سپاسدارم و دهشمندی‌اش را در راه فرهنگ فروغمند ایرانی زرتشتی ، می ستایم .

از « **دوست گرانمایه‌ام ، برهان ابن یوسف** » که با مهر سرشار به فرهنگ ایران و این یاردیرین ، از هیچ کوششی برای انجام کار های چاپی فروگذار نکرد ، از دل و جان سپاسدارم .

آرزومندم که با یاری ایران پرستان بتوانیم مشعل درخشان فرهنگ کهن ایران را روشن و پرفروغ نگاه‌داریم و به آیندگان بسپاریم . -

فرهنگ مهر

پیشگفتار

چاپ یکم

دین ، راه درست زیستن است و درست زیستن با نیک اندیشی آغاز می شود .
گات های زرتشت ، نیک اندیشی ، نیک گفتاری و نیک کرداری را می آموزد .
گات ها اندیشه های مینوی و زبان آن ، زبان اهورایی است . **گات ها همچون** اهورامزدا ، دانایی و روشنایی بی کرانی است که تنها با چشم دل ، گوش وجدان ، و داوری خرد ، دیدنی ، شنیدنی و دریافتنی است .

رموز ، اشارات ، تشبیهات و تمثیلات گات ها ، زیبا سخنانی اندیشه‌زا هستند که توسن پندار را در آسمان راستی به جولان آورده و جویندگان نیکی و سازندگی را ، شادی و رسایی می بخشند .

گات ها با اندیشه های کلان سروکار دارد . به خُرد و ریز نمی پردازد . **سلامت** روان و بدن را با هم لازمه نیک زیستن می داند و آن گونه رفتاری را اندرز می دهد که به جان و تن زیان نرساند . خرد ، راستی ، بینش و مهر ، راهنمای مردمان برای شناسایی آن گونه رفتار ها هستند .

گات ها از خرد و منش نیک (**وهومن یا بهمن**) ، از راستی و داد (**اشا یا**

اردیبهشت) ، از توان سازنده و نیکو (**خشترا یا شهریور**) ، از آرامش و مهر فزاینده (**سْپَنتا آرمَیتی یا اسفند**)، از خودشناسی و رسایی (**هـَاُروَتات یا خرداد**) و از بیمرگی و جاودانی (**اَمِرَتات یا امرداد**) ، و از هرآن چه والا فروزه های خدایی‌اند ، سخن می گوید .

گات ها از **آزادی‌گزینش** (اختیار) ، از **هنجار انگیزه و شده** (قانون علت و معلول) از **بهره‌وری ازکارکرد زندگی** (بهشت و جهنم) ، و از **داد** (عدل) اهورایی گفت و گو می کند.

گات ها از **آفرینش و روان فزاینده** (سْپَنتا مَیْنیو) که گوهر اهورایی است ، و از **تازه‌شدن جهان** (فْرَش‌کرت) که امید آدمی برای **نیکوزیستن** است ، آگاهی می دهد .

گات ها پایه های دین راستین را می آموزد ؛ راه درست اندیشیدن و درست زیستن.

در بخش نخست این کتاب ، از **باور های بنیادی دین زرتشت** (فلسفه گات ها) سخن رفته است : **دیدی نو از دینی کن** ؛ فلسفه‌ای که پاسخگوی نیاز های اندیشه‌ای و روانی آدمی است .

در بخش دوم از تاریخ دین و نوشته های دینی و فلسفی پس ازگات ها ،گفت و گو شده است .

سرانجام در بخش سوم ، **برگردان فارسی ازگات های زرتشت** ، آن‌گونه که من آن ها را می فهمم ، آورده شده است .

کار این کتاب را با یاد « **پدرم ، مهربان و مادرم ، پریدخت** » آغاز کردم : آنان که زرتشتی بودند ، زرتشتی زیستند و زرتشتی از جهان رفتند و به من آموختند که زرتشتی باشم ؛ و اینک با مهر به « **همسرم پریچهر و فرزندانم مهرداد ، مهران و میترا** » به انجام می رسانم . باشد که اینان نیز فروغ دین بهی را در اندیشه و دل روشن و جاودان نگاه دارند .

فرهنگ مهر

بوستن - خرداد ۱۳۶۸

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱
فهرست مطالب ۴

بخش نخست:
باورهای بنیادی دین زرتشت ۱۰

۱ ـ یکتایی اهورامزدا ۱۱
فرشته در دین زرتشت ۲۱

۲ ـ پیامبری زرتشت ۲۸
سه پایهٔ رسیدن به پیامبری ۲۸
برگزیده شدن زرتشت به پیامبری ۳۱
گات‌ها ۳۳
احوال شخصی زرتشت ۳۷
پیامبران پیش و پس از زرتشت ۳۹

۳ ـ پویایی آفرینش (سپنتامینیو) ۴۰
سپنتامینیو و آفرینش ۴۱
ساختار آفرینش در ارتباط با
زمان و فضا ۴۶
محتوای آفرینش ۴۷
پیدایش آدمی ۴۹
آرمان آفرینش ۵۵
مفهوم زرتشتی تاریخ ۵۵
سپنتامینیو و اهورامزدا ۵۷
سپنتامینیو و انگره‌مینیو ۵۸

۴ ـ بنیاد پیشرفت (اشا) ۶۰
اشا: پویایی تکامل، قانون راستی
و داد ۶۰
آزادی اختیار ۶۴
حقوق بشر ۶۵
زندگی پرکوشش و سازنده ۶۸
حفظ محیط زیست ۷۰
تکامل و نوخواهی ۷۲

۵ ـ بنیاد دوگانگی و اهریمن ۷۵
دو دیدگاه منشی و آفرینشی ۷۵
نتیجه عملی ۸۶

٦ ـ آزادی گزینش و میژده ۸۸
آزادی گزینش ۸۸
جبر و اختیار ۸۹
ابزار گزینش درست ۹۰
میژده (بهره کار) ۹۴
قانون علت و معلول و مسئله
پاداش و پادافره ۹۶
ماهیت و محتوی میژده ۹۷
چینوت پل ۹۸
بهشت و جهنم ۹۹
برزخ ۱۰۲
ارتباط آزادی گزینش با پادافره ۱۰۳

۷ ـ پویایی، تازه شدن جهان:
فرش کرت ۱۰۴
فرش کرت ۱۰۴
سوشیانت ۱۰۶
دوباره زنده شدن مردگان ۱۰۹
داوری همگانی ۱۱۰
اصل پیروزی خوبی بر بدی ۱۱۲

بخش دوم:
تاریخ و زادگاه زرتشت، منابع و مآخذ زرتشتیان دیروز، امروز و فردا ۱۱۴

۱ ـ زمان، زادگاه و خاندان زرتشت ۱۱۵
زمان زرتشت ۱۱۵
زادگاه زرتشت ۱۲۷
تبار زرتشت ۱۲۹

۲ ـ منابع و مآخذ ۱۳۱
مآخذ اوستایی ۱۳۴
مآخذ پهلوی ۱۴۲
نوشته‌های یونانی ۱۴۶
نوشته‌های مسیحیان ۱۴۸
نوشته‌های مسلمانان ۱۵۰

۳ ـ زرتشتیان دیروز، امروز و فردا ۱۵۴
دیروز ۱۵۴
امروز ۱۵۶
فردا ۱۵۹

بخش سوم:
آیین‌ها و جشن‌ها ۱۶۲

۱ ـ آیین‌های دینی ۱۶۳
آیین سدره پوشی ۱۶۳
آیین پیوکانی ۱۶۶
آیین بدرود با درگذشتگان ۱۷۲

جشن‌های دینی و میهنی ۱۷۸
جشن‌های دینی ۱۷۸
گاه انبارها ۱۸۱
جشن‌های ماهانه ۱۸۳
جشن‌های میهنی (ملی) ۱۸۴
نوروز ۱۸۴
مهرگان ۱۸۸
سده ۱۹۰
تیرگان ۱۹۲
یلدا ۱۹۲
جشن‌های فروردین ۱۹۴

۳ ـ نماز زرتشتیان ۱۹۵

بخش چهارم:
گات‌ها ۲۰۱
۱ ـ اهنودگات ۲۰۵
۲ ـ اشتودگات ۲۰۵
۳ ـ سپنتمدگات ۲۳۳
۴ ـ وهوخشترگات ۲۴۱
۵ ـ وهشتواشت‌گات ۲۴۶
واژه‌نامه ۲۴۹

بخش نخست :

پیشگفتار

باورهای بنیادی دین زرتشت

۱ - یکتایی اهورامزدا

۲ - پیامبری زرتشت

۳ - پویایی آفرینش (سپنتا مینیو)

۴ - بنیاد پیشرفت (اشا)

۵ - بنیاد دوگانگی و اهریمن

٦ - آزادی گزینش و میژده

۷ - پویایی ، تازه‌شدن جهان : فرش کرت

۱ ـ یکتایی اهورا مزدا

اشو زرتشت خداوند را به نام های **اَهورا، مَزدا، اَشا** یا ترکیبی از آن ها و بیشتر به نام **اَهورامَزدا** و یا **مَزدا اَهورا** و گاهی هم **مَزدا اَشا** خوانده است[۱]. اهورا مزدا به **چَمْ** (معنی)هستی بخش، سرور دانا، و داور هستی است. آن چه که فردوسی « **خداوند جان و خرد** » خوانده است[۲].

اهورا از ریشه "**اَه**" به معنای هستی؛ **مزدا** از ریشه "**مَنَ**" به معنای منش و خرد، و "**اَشا**" به معنای راستی و داد است. "**اَشا**" هم چنین، هنجار (قانون) طبیعی و خدایی است که آفرینش، را سامان می دهد، و اندیشه ،گفتار و کردار آدمیان را ارزیابی می ـ ـکند. این سه نام، ویژگی بنیادی خداوند را که **هستی** (مطلق وجود)، **دانایی** (عقل)، و **داد** (عدل) باشد، بازگو می کند. با توجه به این که خداوند کلّی و مطلق و آدمی جزئی و نسبی است. شناخت خداوند با توانایی های محدود آدمی و تعریف او با واژه های قراردادی شدنی نیست. با همه ی این ها، آدمی کوشاست تابا خرد (**مَنَ**) وجدان (**دَانا**) و بینش (**بَاُدا**) حقیقت هستی (وجود) را دریابد و دهنده هستی (خالق) را بشناسد. خدایِ زرتشت، اهورا مزدا، هستی دهنده و خرد است.

نخستین بخشِ نام خداوند "**اهورا**" به چم **هستی بخش** است. « **هستی** » را می توان دریافت ولی نمی توان بیان کرد. در بودن (تحقق) **هستی** دو دلی (تردید) روانیست.

---

۱ - برای نمونه: واژه "اهورا مزدا" در یسناهای ۲-۲۸ و ۱-۵۳؛ واژه "مزدا اهورا" در یسنا ۱۰-۵۰؛ واژه "مزدا اشا" در یسناهای ۷ و۶-۴۹ و ۷و۳-۵۰؛ واژه "اهورا" در یسنا۵-۲۸ و ۳-۴۴؛ واژه "مزدا" در یسنا های ۱-۲۸ و ۲-۴۴ آمده است.

۲ - **به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد** « فردوسی »

اوستا از هستی و ناهستی، زندگی و نازندگی، **سْپِنْتامَیْنیو و اَنگْرَه مَیْنیو** سخن می گوید. زندگی و سپنتامینیو، **هستی** ؛ نازندگی و انگره مینیو، **ناهستی**اند. هستی و ناهستی هر دو واقعیت اند. یعنی در خارج تحقق دارند و لی **تنها هستی**، هستی دارد. ناهستی واقعیت دارد ولی هستی ندارد. در دانش دین زرتشتی ،تنها داده های اهورا مزدا **هستی** دارند. جهان، زندگی، راستی، نیکی، پیشرفت، آدمی، حیوان، گیاه و جماد ، همه هستی دارند[۳]. زیرا داده اهورامزدا هستند. مرگ واقعیت است ولی، هستی ندارد. زیرا داده اهورا مزدا نیست بلکه پدیده‌ای است غیر اهورایی.

گوهر هستی یکی، جهانی، کلّی، و همه جاگسترده است. به گفته **اشوزرتشت** :

اهورامزدا، آن هستی جهانی و کلی است که همه هستی ها داده او و پایدار از اوست. از این رو **اشوزرتشت** آن سرچشمه نادیده را **اهورا** یعنی هستی، سر چشمه هستی و دهنده هستی می خواند.

در **گات‌ها**(کتاب مقدس زرتشت)، هستی بخشی یاآفرینندگیِ **اهورا مزدا**، با دو واژه‌ی "**داتار**"[۴] و "**تَشا**"[۵] بیان شده است. **داتار** یا **دادار** از ریشه "**دا**" به معنای دادن است و **تَشا** از ریشه "**تَش**" به معنای بریدن و شکل دادن است. بنابراین، اهورا مزدا دهنده هستی (وجود) و شکل دهنده آن (خالق) است. همان گونه که خورشید نور ، گرمی و زندگی می‌بخشد، "**دادار**" خوبی و نعمت ها را ارزانی می‌دارد. و همان گونه که معمار و مهندس، سازندگی می‌کنند و به اشیاء شکل می دهند، "**تشا**" به موجودات چهره می دهد.

بر خلاف نظریه مذاهب ابراهیمی که خداوند همه چیز را از هیچ به وجود آورده است، در دین زرتشت اهورا مزدا از آن چه دارد موجود ات را هستی می دهد. از همین رو ،آفرینش بنا به فلسفه زرتشتی، قدیم است.**همیشه** با اهورا مزدا و در اهورا مزدا بوده است.

در فلسفه زرتشی، "**اهو**" یاگوهر هستی موجودات زنده در "**فروهر**" اهورا مزدا است. "**فروهر**" نماد گوهر هستی است که در همه زندگان ، **اَمْشا سْپَندان**

---

۳ - هستی (وجود) در این مفهوم همان است که در فلسفه ایرانی امروز به وجود اعتباری انتزاعی به معنای عام بدیهی بیان می شود.

۴ - برای نمونه به یسنای ۳/۵/۷ - ۴۴ و یسنای ۲ - ۲۸ نگاه کنید.

۵ - برای نمونه به یسنای ۳-۲۸ و یسنای ۹-۳۱ و یسنای ۶/۷-۴۴ نگاه کنید.

(فرشتگان‌برتر) و آدمیان هست، و نادیدنی است، و پیکره‌ای که از او ساخته‌اند، پنداری (خیالی) است. **اهورا مزدا** جهان و همه نعمت ها را از "**هستی**" خود داده است. از این رو جهان هستی از خداوند جدا نیست. ولی اهورا مزدا "**کلّی**" و "**مطلق**" است و گیتی **جزئی** و **نسبی** است.

اهورا مزدا "**کلّی**" است یعنی اجزایی ندارد. بنابراین، در عین این که جهان از خدا جدانیست، جزیی از خدا نیست. اهورا مزدا "**کلی**" است و حتی به فروزه های خود (اَمشاسْپندان و سْپَنتامَینیو) مقیّد نیست. هرچند فروزه هایش از او جدا نیستند و **گات ها** اهورا مزدا را با فروزه هایش می‌شناساند و بر آن ها حَمْل و تعبیر می‌کند. این فروزه ها قائم به اهورا مزدا هستند و مانند خود اهورا مزدا بی کران (نامحدود و نامحصور) اند. این ویژگی اهورا مزدا همانست که با "**مطلق**"بودن بیان می‌شود. اهورا مزدا بی آغاز و بی انجام است.[۶] آفرینندگی اهورا مزدا را از راه فروزه‌ی دهندگی و سازندگی **سپنتامینیو** می شناسیم و همان گونه که در جای دیگر خواهیم گفت سپنتامینیو یا**گوهر هستی** (ذات وجود) یکتاست و با اهورامزدا یکی است. آفریدن و افزودن، اقتضای ذات اهورا مزدا است[۷] و آفرینندگی همیشه با او بوده است. شناخت «**گوهر** » هستی، تنها در خرد و وجدان میسر است.[۸] گات ها، اهورا مزدا را گوهر هستی و **روان افزاینده (مقدس)** می‌خواند. هستی همه موجودات از سر چشمه زاینده گوهر هستی مایه می‌گیرند.[۹]

دومین بخش نام خداوند "**مَزْدا**" به معنای گوهر و دهنده خرد است. در گات ها خرد فزاینده (مقدس)به عنوان نخستین فروزه اهورا مزدا آمده است. اهورا مزدا در خرد خود، جهان را آفریده و آفرینش را هنجار داده است. اشوزرتشت از راه خرد، اهورا مزدا را شناخت؛ و اهورا مزدا خود را در خرد زرتشت ظاهر کرد و اشو زرتشت از راه خرد، مردم را به همکاری و همگامی با اهورا مزدا فرا می‌خواند.

خرد مقدس (منش نیک) رشته‌ای است که سراسر گات ها را به هم پیوند می‌دهد.

---

۶ - به یسنای ۸ - ۳۱ نگاه کنید.
۷ - یسنا ۳/۴/۵ - ۴۴ - ۷ - ۵۱
۸ - یسنا ۷/۸/۹/۱۱ - ۳۱
۹ - یسناهای ۱ - ۲۹ ؛ ۵ - ۳۳ ؛ ۳ - ۴۳ ؛ ۱۶ - ۴۴ ؛هورمزدشت بند ۸

گات ها خداوند را همه دانا و سازنده می‌خواند.[۱۰] در همه جای گات ها به مردمان سفارش شده که در هر کار نخست با خرد خود رایزنی کنند.

سومین نام خداوند "**اَشا**" به معنای **راستی، داد و هنجارِ**(قانون) **اهورایی** است که جهان و آفرینش را سامان می دهد. "اشا" **خواست اهورایی** (مَشیت الهی) است.

در دین زرتشت، قانون خدایی با قانون طبیعی یکی و آن "**اشا**" است: کُنِشْ قانونی که باراستی و داد یگانه است. اشا، میزان (شاخص) است.[۱۱] این آدمی است که باید کُنِشْ خود را با "اشا" هم آهنگ کرده، باراستی و داد ، رفتار کند تا خوشبخت شود. "اشا" داده اهورمزدا و خود اهورمزدا است. اشا در کارهای آدمی دخالتی ندارد. آدمی از آزادی گزینش (اختیار) برخوردار است. ولی نتایج کار آدمی با میزانِ اشا، سنجیده می‌شود. اشا میزان سنجش چندی و چونی است و این سنجش، کارکَردِ رابطه **علت و معلول** است.[۱۲]

زندگی و آینده انسان مُقَدّر نیست، ولی قانونی که نتیجه و پاداش کار های آدمی رامعین می کند، مُقَدَر است. هر کس، با آگاهی از نتایجی که بر هر عملی بار است می ـ ـ تواند راه خود را انتخاب کند.

اهور مزدا "**خوبی و داد**" مطلق و بدون قید و شرط است[۱۳] بدی در آستان او راه ندارد. خداوند زرتشت کینه توز و انتقامجو نیست.[۱۴] او از بدی و ویرانگری دور است. او خشم نمی‌شناسد و از همین رو مورد پرستش است. آنان که بدی می کنند، محصولِ کاشته خود را که طبق **قانون اشا** همان بدی است، درو می کنند. انتقامجویی و یا مجازات کار خدانیست. اهورامزدا برای همه خوشبختی می‌خواهد . از این رو "**راه درست زیستن**" را از پیش نشان داده است. آنان که کجروی می کنند و با اَشا

---

۱۰ - برای نمونه به یسنا ۷/۸/۹/۱۱ - ۳۱ و یسنا ۳/۴/۵/۶/۷ - ۴۴ نگاه کنید. همین اندیشه ای که افلاطون و مولوی را سخت تأثیر قرار داد تا خدا و حقیقت غائی را اندیشه بدانند.

ای برادر تو همین اندیشه ای — ما بقی تو استخوان و ریشه ای
گر بود اندیشه ات گل، گلشنی — ور بود خاری، تو همچون گلخنی
(مولوی)

۱۱ - نگاه کنید به یسناهای ۹ - ۲۸ ؛ ۴ - ۲۹ ؛ ۷ - ۳۰ ؛ ۳ - ۳۱

۱۲ - نگاه کنید به یسناهای ۴/۸ - ۳۱ ؛ ۵/۸/۹ - ۳۳ ؛ ۱۴ - ۳۴ ؛ ۲ - ۴۴ ؛ ۱۵ - ۴۶

۱۳ - یسنا های ۳ - ۴۴ ؛ ۶/۷ ۴۵ ؛ ۹ - ۴۶

۱۴ - در بعضی ادیان خداوند علاوه بر دانایی، توانایی، بینایی و رحمت، انتقامجو، کینه توز، جبار و قهار هم هست رجوع کنید به کتب مقدس ادیان ابراهیمی یهود و اسلام.

بیگانه می شوند، سرانجام رنج می بینند و این میوه کارکردِ خودشان است و نه مجازات خداوند.

اشوزرتشت پس از این که خداوند را **هستی بخش** (اهورا)، **همه دانا** (مزدا)، و **دادگر**(اشا) ، **فراگیرنده و دهنده همه خوبی ها** (سپنتامینیو) معرفی می‌کند، شش فروزه بنیادی دیگر برای خداوند بر می شمارد و همچنین می‌گوید که پرتوی از این فروزه ها در آدمی نیز وجود دارد. این فروزه ها عبارتند از:

۱ - **وَهیشتامَنَ** (بهمن)[۱۵] که به معنای بهترین منش و خرد مقدس است. "**وهیشتا**» از ریشه «**وَه**» به معنای بهترین (والاترین) و "**مَنَ**" به معنای منش و خرد و با هم به معنای والاترین اندیشه یا والاترین منش است. "وَهیشتامَنَ" ،گوهر خرد، و "**خرد جهانی**" است همه آدمیان با فروزه و توانایی منش نیک (**وُهومَن**) پدید آمده‌اند. وهومن بازتابی از "وَهیشتامَنَ" یا خرد جهانی است.

۲ - **اَشاوَهیشتا** (اردیبهشت)[۱۶] که به معنای راستی (داد) والاست. اشاوهیشتا، **راستی جهانی**، و **قانون دگرگون ناپذیری** است که آفرینش را نظم می‌دهد. اشا نشانه‌ی خواست اهورایی است. اشا راه راستی است و پویندگان آن راه، به خوشبختی (**اوشتا**) می رسند. درگات ها "**وهیشتامن**" و "**اشاوهیشتا**" بیشتر جا ها با هم آمده‌اند هر چند که از اشا بیشتر نام برده شده است. اشا در خرد اهورامزدا پدید آمد و با راستی و داد یکی است از این رو **اشاوهیشتا** به معنی **گوهر داد هم هست**. دین زرتشتی، دین راستی و داد است که همه جا با دروغ در جنگ است از این رو اشا ، گوهر دین زرتشتی هم هست.

۳ - **خْشَتراوَیریا** (شهریور)[۱۷] سومین فروزه اهورامزدا به معنای توانایی برگزیدنی است. خشَترا از ریشه "**خش**" به معنای توانایی است. این فروزه را به "**شهریاری خدایی**" تعبیر کرده‌اند. این فروزه معرف نیروی سازنده است و نه قدرت ویران

---

۱۵ - وَهیشتامَنَ (VAHISHTAMANA)
۱۶ - اَشاوَهیشتا (ASHA VAHISHTA)
۱۷ - خْشَتْرَوَئیرَیا (KHSHATHRA VAIRYA)

کننده. معرف توان اخلاقی و روانی است و نه بدی و کینه توزی. اهورامزدا که بر همه چیز تواناست ، توانایی‌اش را جز در راه سازندگی، بخشندگی و مهر، به‌کار نمی‌برد و همان‌گونه که پس از این گفته خواهد شد، کسانی که با خرد (وهومَن) به راستی و داد (اشا) رفتار کنند به "**توانایی سازنده**" دست می‌یابند و این توانایی آنان را از گرایش به بدی، خشم و کینه توزی باز می‌دارد. از این رو باید تنها چنین توانایی را برگزید.

۴ - **سْپَنتا آرمَیتی** (اسفند)[۱۸] چهارمین فروزه بزرگ اهورا مزدا است." **سْپنتا**" به معنای افزاینده و **آرمیتی** به معنای" **آرامش ، هم آهنگی و مهر**" است و دو واژه با هم به معنای **آرامش افزاینده** است. سپنتا آرمیتی، **آرامش و مهر جهانی** را که از راه همکاری آدمیان با اهورامزدا به دست می‌آید نشان می‌دهد. سپنتا آرمیتی "**برادری جهانی**" است که از راه مهر، خدمتِ بدونِ انتظارِ پاداش، فروتنی و همدردی با دیگران بدست می‌آید.

۵ - **هـَاُرْوَتات** (خرداد)[۱۹] که به معنای **رسایی و کمال** است. اهورامزدا **گوهر کمال** است. او همه خوبی ها را در خود دارد و همه خوبی ها را از خود می‌دهد. "**کمال**" نمادی از "**خودشناسی**" اهورمزدا است. آدمیان می‌توانند با کوشش در راه رسیدن به کمال، با به‌کار بردن خرد، و کارکرد به راستی و مهرورزی ، توان اهورایی به دست آورده در راستایِ کمال راه پیموده، خود را شناخته و به اهورا مزدا برسند. "**هـَاُروتات**" نماد "**رسایی و خودشناسی**" است.

۶ - **اَمِرَتات** (امرداد)[۲۰] به معنای بیمرگی است. اهورا مزدا، بی آغاز، بی‌انجام و جاودانی است. در اوستا امرتات و هـَاُروتات بیشتر جاها با هم آمده‌اند و این نشانه آن است که راه رسیدن به بی مرگی، نایل شدن به کمال، رسایی و خودشناسی است. آدمی می‌تواند با خرد، و با راستی و داد و مهرورزی، به توانایی سازنده دست یافته و با آن توانایی به کمال و رسایی و سرانجام به جاودانی برسد . اشو زرتشت،

---

۱۸ - سْپَنتا آرمیتی (SPENTA AVRMAITI)
۱۹ - هـَاُرْوَتات (HAURVATAT)
۲۰ - امرتات (AMERETAT)

اهورامزدای ندیدنی را با این فروزه ها شناخت .این فروزه ها پیکره ندارند و اهورا مزدا پیکره‌ای نمی‌تواند داشته باشد. اهورا مزدا "**کلی**" است و این فروزها آفریده او و قائم به او هستند ولی، اهورا مزدا بر هر یک از فروزه‌های خود حَمْل می‌شود، این لازمه "**کلی**" بودن است. این امر بازتابی از فلسفه "**وحدت وجود**" در دین زرتشتی است. اهوراگوهر هستی، مزداگوهر خرد ، و اشاگوهر راستی و داداست. جرقه هایی از این فروزه ها در آدمیان وجود دارد. از این رو می گوییم که اهورا مزدا، آدمیان را در" **شبه یا تصویر اخلاقی**" خود پدید آورد. منظور از ایجاد در **شبه اخلاقی** این است که خداوند و آدمیان در صفات و فروزه‌هایی با هم شریک اند و این مشارکت، رابطه همکاری بین نیکان (اشوان) و اهورامزدا را پدید می آورد.

این فلسفه وحدت وجود، کمال توحید و یکتاشناسی در **هورمزدیشت** به این گونه بیان شده است:[۲۱]

در پاسخ اشوزرتشت که از نام و فروزهایی اهورایی پرسش می‌کند، اهورمزدا از راه خرد مقدس ، او را این گونه آگاهی می‌دهد:

"نخستین نام من **هستی**، دومین نامم **هستی بخش**، و سومین نامم **باشنده** (حاضر) **در همه هستی‌هاست**" حضور هستی، لازمه هست شدن و هست بودن است. از این رو "**جهان درونی**" یکی از جلوه های اهورمزدا است. "چهارمین نام من **بهترین راستی**، پنجمین نام من **آفریننده همه نیکی‌ها و پاکی‌هاست**". این دونام فروزه اشویی و سپنتایی "ششمین و هفتمین" نام من **خرد** و **خردمند**، هشمین و نهمین نام من **دانش** و **دانشمند** و دهمین نام من **افراینده** است".

در همه این فروزه‌ها، و فروزه‌های دیگری که در هورمزد یشت برای خداوند بر شمرده شده است، اهورا مزداگوهر و دهنده خوبی است، خوبی که در همه جا گسترده‌است. و از این زیباتر، توصیفی برای اهورامزدا نتوان کرد. اشا، خداست و خواست خداست. خداوند دهنده اشا است و اشویی همه جا هست. در همه ی این فروزه هاکه نشان دهنده اهورامزدا هستند، یگانگی آفریننده، آفرینش، و آفریده (وحدت خالق و خلقت و مخلوق) به روشنی دیده می‌شود. دوگانگی حاصل دورشدن آدمی از اشا (راستی و داد) و سپنتامینیو (خوبی افراینده) است. دوگانگی

---

۲۱ - هورمزدیشت بندهای ۷ و ۸

بیگانگی از خوبی و راستی است که درون هرکس به ودیعت گذاشته شده‌است. اهورامزدا سر چشمه و در بردارنده همه نیکویی هاست. بودن همه ی خوبی‌ها در اهورامزدا نشان دهنده **فزونی در یکتایی** است و این نگاره‌ای است که اوستا از یکتایی خدای خوبی ها دست می دهد. صفات خداوند خود خداوند نیستند. ولی، خداوند هر یک از آن ها و همه آن هاست. کُلّی اهورامزدا را می توان بر فروزه های بنیادی (که در اوستای جوان‌تر باهم **اَمشاسپَنتا** خوانده شده‌اند) تعبیر کرد ولی هیچ یک از فروزه ها را نمی‌توان خدا خواند. فروزه های بنیادی اهورامزدا **اَمشاسْپَنتا** از اهورا مزدا جدا نیستند و فزاینده می‌باشند.

فروزه دیگر اهورامزدا که معرف آفرینش و افرایش خوبی‌هاست "**سپنتامینیو**" است که در جهان مینوی با اهورامزدا یکی و در جهان مادی تنها **بازتابی** از اهورامزدا است. در این معنا "**سپنتامینیو**" نشان دهنده **جهان برونی** اهورامزدا است. به سخن دیگر "**سپِنتامینیو**" جلوه اهورمزدا در این جهان است. در اوستا گاهی سپنتامینیو را فرزند اهورامزدا خوانده‌اند هم چنان که در مسیحیت "**روح القدس**"[۲۲] پسر خداوند خوانده شده است. برخی از دانشمندان مسیحی تا آن جا جلو رفته که "**سپنتامینیو**" ی زرتشت را با "**روح القدس**" مسیح یکی دانسته‌اند.

یکی بودن "**سپنتامینیو**" و "**اهورمزدا**" در جهان مینوی و بازتاب یا "**شبه بودن**" "سپنتامینیو" در جهان مادی باعث اشتباه برخی از نویسندگان شده و گمان برده‌اند همان گونه که "**اَنگره‌مینیو**" در جهان مادی در برابر "**سپنتامینیو**" قرارداده شده‌است ، پس باید در جهان مینوی هم چنین باشد. این اشتباه بزرگی است، همان گونه که در جای دیگر بیان خواهیم کرد "**انگره مینیو**" در این جهان، چیزی جز نبودن "**سپنتامینیو**" نیست سپنتامینیو هستی‌است و انگره‌مینیو نبودن هستی یعنی نیستی است. نیستی واقعیت دارد ولی هستی ندارد و ساخته اهورامزدا هم نیست و نمی‌تواند در برابر او قرار گیرد. "انگره مینیو" عَرَضْ و پدیده‌ای در این جهان است که دائمی و پایدار نیست.

همبستگی نزدیک فروزه های اهورامزدا (امشاسپنتا یا امشاسپندان)، و ذات

---

۲۲ - رجوع شود به "THE WESTRN PESPONSE TO ZOROASRTER" نوشته DUSCHESNE - GUILLEMIN چاپ سال ۱۹۷۳ GREENWOOD PRESS, CONICTUT WESTPORT, CONN صفحه ۸۸

اهورامزدا در دین زرتشت و نزدیکی فروزه مهر و محبت با خدای مسیح در مسیحیت ، باعث شده که **هی نِلز** بنویسد:[۲۳] در دین مسیح ، خدا محبت است ولی در دین زرتشت محبت خداست. این درست نیست. در دین زرتشت هم خدا محبت (آرمیتی) است ولی آرمیتی خدا نیست. کما این که خدا خرد (وهیشتامَنَ) است ولی خرد خدا نیست. خدا اجزاء ندارد. خداوند کلّی است که با فروزه های خرد، داد، محبت، رسایی و بی مرگی توصیف می شود ولی هیچ یک از این فروزه ها و حتی همه آن ها، به صورت جمع (که امشاسپنتاباشد)اهورامزدا نمی‌شوند.

در هورمزدیشت، به جز فروزه هایی که به آن ها اشاره کردیم، فروزهای دیگری برای اهورمزدا بر شمرده شده است. از جمله اهورامزدا را تواناترین، پیروزی بخش‌ترین، شکست‌ناپذیر، تندرستی‌بخش، پروردگار، افزاینده‌ترین، فرهمندترین، بیناترین، سالم‌سازترین، سودرسان ترین، پاک سازترین، افتخارآفرین‌ترین، و... خوانده‌است، او بر همه چیز دانا، از همه چیز آگاه، در همه جا حاضر، و سرانجام بر همه چیز تواناست. اهورامزدا دادگر است ولی بخشنده گناه نیست. دادگری با بخشش گناه یکی نیست . اشو زرتشت اندرز می‌دهد که هر کس کِشتَه ی خود را بدونِ کم و بیش دِرُو می‌کند. این عمل بر طبق قانون تغییر ناپذیر اشا صورت می‌گیرد. شفاعت در دین زرتشت موقعیتی ندارد.

اشوزرتشت خداوند را **جهان برونی**[۲۴] ، **جهان درونی**،[۲۵] **و اهورایی** توصیف می‌کند. از جنبه **جهان برونی** اهورامزدا همه جا هست: در جهان و ماوراء آن. جهان وابسته به اهورامزداست ولی او به جهان متّکی نیست. او خارج از زمان و مکان است ولی زمان و مکان در او و با اوست.

از جنبه **جهان درونی** خداوند در همه چیز جلوه‌گر است: در سنگ ریزه ی بیابان، در دانه ی گیاه، در زندگی حیوان، و در اندیشه و روان انسان. او در همه هستی‌ها هست. هستی تنها بر اهورامزدا استوار است.

خداوند اهوراست ، اندام و پیکره ندارد ولی از راه فروزه های خود ـ که

---

۲۳ - نگاه‌کنید به‌کتاب PERSIN MYTHOGY نوشته JOHN R. HINNELS چاپ THE HAMLYN PUBLISHING HOUSE لندن سال ۱۹۷۳ صفحه ۴۳

۲۴ - جهان برونی TRANSCENDENCE

۲۵ - جهان درونی IMMANCENCE

منحصراً" نیک و اخلاقی هستند - با افرادی که بخواهند ارتباط شخصی برقرار می‌کند. گفتیم که پرتوی از فروزه های اهورایی در آدمیان هست، از این رو می‌گوییم که اهورامزدا آدمی را در **شَبَه اخلاقی** خودش هست کرد. این "**شَبَه**" نشان دهنده "**اشتراک فروزه ها**"ست ، و این اشتراک فروزه ها ایجاد "**رابطه**"ای می‌کند که بین نیکوکاران و اهورامزدا برقرار می‌شود. اهورامزدا پیکره ندارد. به گفته **جرج کارتر**، دین زرتشت کم تر از هر دین دیگری فروزه های مادی بشری (اندام و خصوصیت مربوط به آن ها) را به خداوند نسبت داده است[۲۶]. پیکره خیالی **فروهر** را برخی از روی نا آگاهی پیکره اهورامزدا، خوانده‌اند که درست نیست.

در ادیان ابراهیمی، هم خداوند در برابر پیامبر ظاهر می‌شود[۲۷] و هم پیامبر به حضور خداوند می‌رود[۲۸] البته بدون این که خداوند را بیند. در دین زرتشت پیامبر هیچ گاه، با اهورامزدا روبه رو نمی‌شود بلکه اشوزرتشت تنها در اندیشه و وجدان خود اهورامزدا را می‌بیند و پیام او را دریافت می‌کند. این همان ارتباطی است که بین اهورامزدا و آدمیان از راه خرد، وجدان ، مهر و دیگر فروزه های اهورایی برقرار می‌شود. اشوزرتشت از راه **اندیشه، وجدان، و بینش** خدا را شناخت و پیام او را دریافت داشت. بنابراین آن چه زرتشت از خدا می شناسد ، فروزه ها و توانایی های اوست. همچنین زرتشت به یاری خرد و اشا در می‌یابد که پرتوی از این فروزه ها در آدمی وجود دارد. او متوجه هست که آدمی با توانایی های **جزیی** و **نسبی**، و بابه کار بردن واژه های قراردادی نخواهد توانست خداوند کلی و مطلق را بیان کند. از این رو از اهورامزدا در خواست دارد که به همه آدمیان آن خرد (**وهومن**)، وجدان (**دَانا**)[۲۹] و بینش (**بَاُدا**)[۳۰] را ارزانی دارد تا بتوانند برای خود به **هستی** (وجود) و **دهنده هستی** (خالق) پی برند.

اشوزرتشت دین تازه‌ای را آموزش داد که در آن خداوند، هستی بی‌کران، کمال اخلاق، خوبی افزاینده، راستی و دادمطلق، و پیشرفت دهنده است؛ که در آن آدمی

---

۲۶ - نگاه کنید به ZOROASTRIANSM AND JUDAISM نوشته GEORGE W. CARTER چاپ AMS PRESS نیویورک سال ۱۹۷۰ صفحه ۴۳

۲۷ - تورات EXSDUS ۱۹ : ۱۸/۱۹

۲۸ - معراج در اسلام و حضور پیامبر در پیشگاه خداوند در کوه طور.

۲۹ - DAENA که همان دین باشد. در دین زرتشتی وجدان با دین و اخلاق همگام اند.

۳۰ - BAODHA که در این کتاب به روشن بینی و بینش برگردانده شده است.

با داشتن پرتوی از همه فروزهای اهورایی همکار اهورامزداست؛ که در آن سپنتامینیو بازتاب افزایندگی و سازندگی اهورامزدا و نشان دهنده فراگرد دائمی آفرینش است؛ که در آن اشا قانون تغییر ناپذیر راستی و پیشرفت است؛ که در آن تقدّس چیزی جز خوبی، افزایندگی، فراوانی و پیشرفت نیست. اشوزرتشت گفت که خداوند نیازی به قربانی و نذر ندارد، و با مراسم ظاهری فریب نمی‌خورد[۳۱]؛ که مردمان امناء جهان و موجودات آن هستند و باید در نگاهداری آن کوشا باشند؛ که خشونت به انسان ها، آزاربه حیوانات، صدمه به گیاه، و تخریب محیط زیست ناسپاسی نسبت به اهورامزداست. بزرگی و شکوهِ خداوندی که اشوزرتشت او را به نام "اهورمزدا" توصیف کرده و به مردم نشان داده است در نوشته های دینی و فلسفی جهان بی‌همتاست.

فرشته در دین زرتشت

درگات های زرتشت، ازفرشته(ایزد) سخنی نرفته است هرچند از "**سروش**"، "**آذر**" و "**اَشی**" نام برده شده است بدون آن که آن ها را فرشته(ایزد) بخواند. تنها در نوشته های پس ازگات ها عنوان "**ایزد**" به آن ها داده شده است. در نوشته های دینی بعد از گات ها از ایزدان بسیاری نام برده شده است و شاید شمار آن ها از هزار فزون تر باشد و حتی نیایش هایی برای برخی از آن ها نوشته شده است. گروهی از دانشمندان باور دارند که "موضوع فرشته، از دین زرتشت وارد سایر ادیان از جمله دین یهود شده و از آن جا به دیگر ادیان ابراهیمی راه پیداکرده است"[۳۲]. و **هانری کربن** تا آن جاپیش رفته که فرشته شناسی را مهم‌ترین بخش دین زرتشت دانسته است![۳۳]

---

۳۱ - هورمزدیشت بند ۱۴ - فریب نخورنده (VIDHANVISH)

۳۲ - نگاه کنید به نوشته JAMES BARR زیر عنوان :
"THE QUESTION OF RELIGIOUS INFLUENCE: THE CASE OF ZOROASTRIANISM, JUDAISM AND CHRISTIANILY" JOURNAL OF THE AMERCIAN ACADEMY OF RELIGION LIII/2 ماه JUNE سال ۱۹۸۵ صفحه ۲۰۱

۳۳ - نگاه کنید به:
"SPIRITUAL BODY AND CELESTIAL EARTH FORM MAZDEAN IRAN TO SHI' ITE IRAN" نوشته HENRY CORBEN ترجمه NANCY PEARSON چاپخانه PRINCETON UNIVERSITY سال ۱۹۷۷ صفحه ۲۵

با توجه به این که در گات ها از فرشته و ابلیس به صورت موجودی خارج از انسان سخن نرفته است ، باید فرشته (ایزد) را ساخته و پرداخته نویسندگان اوستای جوان‌تر دانست. و به هر روی باید مفهوم آن را از خود اوستا فهمید و نه از مقایسه با سایر دین‌ها.

نخستین گام درراه فرشته سازی در "**یسنا هفت هات**" برداشته شد[۳۴] و با این ترتیب که به شش فروزه‌ی بزرگ اهورامزدا، به صورت گروهی نام "**اَمشاسپَنتا**" یا "**اَمشاسْپَنْدان**" دادند که به دهشمندان بی مرگ و یا فرشتگان برتر، برگردانده شده‌است. هر یک از این شش فروزه اهورامزدا، پشتیبان یکی از عناصر و یا موجودات طبیعی و همچنین حامی یکی از ویژگی ها و یا چیزهای متعلق به آدمی شدند از این قرار:

"**وُهومَنَ**" یا بهمن فرشته پاسدار گله (حیوانات) در جهان و نیز نگاهدارنده "**سلامت اندیشه**" در آدمی است. به یاد بیاوریم که وهومن خود به معنای اندیشه و منش نیک است.

"**اشا**" در طبیعت پاسدار آتش و نیز نگاهدارنده "**سلامت تن**" در انسان است. اشویی به معنای پاکی هم به‌کار برده می‌شود و پاکیزگی لازمه سلامت تن است.

"**خْشَتْرا**"یا توانایی برگزیده در طبیعت پاسدار "**فلز**" و در مورد انسان حافظ دارایی اوست. باگسترش معنای خشترا می‌توان آن را فرشته حامی "**جمادات**" به طور کلی دانست.

"**آرْمَیْتی**"یا اسفند یا سپندارمزد، در طبیعت فرشته پاسدار " **زمین** " است و همچنین حامی و راهنمای احساسات و قلوب آدمیان است و آرامش و مهر می افزاید. فرشته سپندارمزد، زن است و از این رو با آفرینش و با احساسات، مهر و دوستی همبستگی نزدیک دارد.

"**هـَ اُروَتاتْ**"یا خرداد در محیط زیست پاسدار" **آب** " و در انسان راهنمای "**وجدان**" است که او را به سوی رسایی و کمال رهنمون شود و سرانجام:

"**اَمِرَتاتْ**" یا امرداد در طبیعت پاسدار "**گیاهان**" است و در مورد انسان، نگهبان بهترین زندگی و بی‌مرگی است. بنابراین **امشاسپندان ، پاسداران محیط زیست و**

---

۳۴ - نگاه کنید به "HISTORY OF ZOROASTRIANISM" نوشته دستور دکتر .MANECKJL N DHALLA دانشگاه آکسفرد سال ۱۹۳۸ صفحات ۴۰ تا ۱۶۲

آدمیان هر دو هستند.

در دستور زبان گات ها، واژه های **وُهومَن، اَشا، و خْشَترا،** خنثی و واژه های **آرمَیْتی، هـ اُروَتات، و اَمِرتات** مونث هستند. در اوستای جوان تر سه واژه ی خنثی از جهت دستوری، مذکر می‌شوند.[۳۵] شاید این هم بازتابی از برابری زن و مرد در **فرهنگ اوستایی** باشد.

گفتیم واژه "**اَمشاسْپَنتا**" به عنوان اسم جمع برای شش فروزه در گات ها نیامده و در "**یسنای هفتن یشت** " هم تنها دو بار ذکر شده است، و در این مورد نیز، همه ی اَمشاسْپَنتا ساخته و آفریده اهورامزدا دانسته شده اند. آن ها دانا، توانا، باشکوه و افزاینده (سپِنْتا) هستند و اهورامزدا را در نگاهداری، پیشرفت و تازه شدن آفرینش همراهی می‌کنند.[۳۶] گاهی در اوستا اهورامزدا و شش فروزه با هم، به عنوان هفت امشاسپند ذکر شده‌اند که چیزی جز یکی بودن اهورامزدا با شش فروزه‌اش را نمی رساند.[۳۷] در گاهنامه (تقویم) زرتشتی، نخستین هفت روز ماه، به نام اهورا مزدا و شش فروزه بنیادی، نامگذاری شده‌اند.

گروه دیگر فرشتگان در اوستای جوان تر آمده‌اند و "**ایزد**" خوانده می‌شوند که به معنای **شایسته نیایش** است. در چگونگی ورود آن ها در اوستای جوان تر، دیدگاه های چندی وجود دارد. بیشتر ایزدان ، خدایان پنداری هستند که آریاییان ایرانی پیش از اشوزرتشت، آن ها را می‌پرستیدند.

اشوزرتشت که یکتا پرستی را آموزش می داد، حتی نخواست نامی از خدایان پنداری در گات ها ببرد. از این رو می‌بینیم که حتی از "**میترا**" که یکی از خدایان مهم پیش از زرتشت بود، نامی در گات ها برده نشده است. پیش از زرتشت ، مُغان پاسداران دین و پیروان خدایان پنداری بودند. پس از کامیابی اشوزرتشت به گسترش یکتا پرستی ، بازار مُغان از گرمی افتاد. به نظر می‌رسد که در سده های بعدی ، این

---

۳۵ - نگاه کنید به کتاب یاد شده صفحه ۴۰

۳۶ - در VEDIC ADITYSA از تعدادی خدایان سخن رفته است که شمار آنها گاهی شش، هفت، هشت، حتی دوازده هست. به گونه‌ای که گفتیم زرتشت به این خدایان پنداری باور نداشت و حتی ذکری از آنها در گات ها نکرد ولی بعد از او، وسیله مغان به صورت "ایزد" وارد نوشته های اوستایی شدند.

۳۷ - نگاه کنید به "ZORODASTIRAN ETHICS" نوشته دکتر فرهنگ مهر در PROCEEDINGS OF FIRST WORLD COMFESENSE ON ZOROASHIA RELIGION, CULTURE AND HISTORY. چاپ لندن ۱۹۸۴ صفحات ۸۷ تا ۹۶

خدایان پنداری با پایین آمدن پایگاهشان به نام ایزدان (فرشتگان) آفریده اهورامزدا در نوشته های دینی وارد شدند و به صورت پاسداران عناصر طبیعت، نگاهدارنده و میزان ارزش های اخلاقی اهورایی و داور رفتار آدمیان ، انجام وظیفه می‌کردند. و این به خودی خود، کار زیبایی بود.

هر چند "**فرشته**" در بیشتر دین ها هست ولی طبیعت و کار آن ها در دین های مختلف ، متفاوت است. بنابراین بهتر است در دین زرتشتی از "**ایزد**" گفت وگو کنیم و نه از "**فرشته**" تا اشتباهی پیش نیاید. اگر ایزدان را در معنای تاریخی و فلسفی آنان بپذیریم ، باید به ژرف بینی و دورنگری خردمندانی که با پافشاری بر تقدس طبیعت و عناصر آن ، در نگاهداری محیط زیست کوشیده‌اند ، درود بفرستیم. بی‌خود نیست که امروز دانشمندان، از دین زرتشت به عنوان **نخستین دینی که به حفظ محیط زیست توجه کرده‌است** یاد می‌کنند.[۳۸]

همان گونه که گفتیم "ایزد" در گات ها نیست و ساخته نوشته های پس از اشوزرتشت است که در نوشته های دینی راه می یابد و شماره آن ها با گذشت زمان افزون شد و از هزار بالاتر رفت. ایزدان را بنابه اهمیت به بزرگ و کوچک بخش می کنند. برای نمونه میترا(مهر) ایزدی بزرگ ولی **اَشی** (پاداش نیکی) ایزد کوچکی است. از دیدگاهی دیگر، ایزدان را به دو گروه **مینوی** و **مادی** بخش کرده‌اند. ایزدان مینوی پاسداران رفتارها و چیز های مینوی هستند مانند **رَشَن** (راستی)، **وَرَهْرام** (پیروزی)،**وآخشتی** (صلح و آشتی)، **دَاِنا** (وجدان یا دین)، **چیسْتی** (دانش)، **رَتا** (دهشمندی) ؛ و ایزدان مادّی پاسداران چیز های مادّی هستند مانند **هُوَخْشترا** (خورشید)، **مَنگها** (ماه)، **وَنْتْ** (ستاره)، **تیشْتَر** (باران)، **زَم** (زمین).

برای نشان دادن معانی رمزی و استعاره‌ای مهمی که در این «**پاسداری ها**» وجود دارد ، به ذکر چند تا از آن ها می پردازیم:

سه ایزد **آبان** (آپام‌ناپات)، **آناهیتا**، و **اَهورانی** پاسداران آب؛ دو ایزد **آذر**

---

۳۸ - نگاه کنید به :

"THE ZOROASTRIAN TRADITION : AN INTRODUSTION TO THE ANCIENT WRISDOM OF ZARATHUSHTRA" نوشته دکتر فرهنگ مهر چاپخانه دانشگاه پریستون از انتشارات ELEMENTS INC. سال ۱۹۹۱ صفحه ۶۰

ونیروسنگ پاسدارن آتش ؛ [۳۹] و ایزد **زم** یا **زامیاد** پاسدار زمین و خاک؛ و ایزد **وَیو** پاسدار باد و هواست. این ایزدان آگاهانه می‌کوشند تا هیچ کس به آلوده کردن عناصر اصلی، آب و خاک و هوا و آتش دست‌نیازد، و هر کس بر خلاف این دستور دین رفتار کند ، مورد شناسایی و باز خواست ایزد مربوطه قرار می‌گیرد. چه اندیشه زیبا و چه فلسفه والایی ! این ایزدان واقعی یا خیالی، کار بسیار سودمندی انجام می‌دهند و بدون گفت وگو، دادن جنبه اهورایی به عناصر طبیعی، و حمایت فرشتگان از آن ها در مورد مردم کم سواد ولی دیندار ، می‌تواند کارآیی دستورهای قانونی مربوط به حفظ محیط زیست را افزایش دهد. نیکوست که به یاد داشته باشیم ، خدای زرتشت تنها یک خدای ماوراءالطّبیعه نیست . او جهان درونی هم هست و نیرو و فروزه های او به جهان ، هستی و زیبایی های مینوی و مادّی داده‌اند و موجودات مادّی می توانند نماد های خارجی آن نیروها باشند. خدای زرتشت نیروی اهورایی است که جهان را سرشار از هستی و زیبایی کرده است.

از نظر داوری در رفتار آدمی به طور کلی، سه ایزد: **سروش، رشن ومهر پایگاه** ویژه دارند. آن ها سه فرشته برادرند که کارنامه آدمیان را زیر دید خود دارند. مهر (میترا) فروزه خدایی و ایزدیست که همه چیز را می‌بیند ، هیچ چیز رانمی‌توان از دید او پنهان داشت. **سروش** ایزدی است که همه چیز رامی‌شنود و هیچ گفتاری نیست که از حوزه‌ی شنوایی او بیرون بماند. **رَشَن** (راستی) ایزدی است که در دادگاه اهورایی

---

۳۹ - آذر که در گات ها "آتَرْ"است به معنای آتش ویکی از ایزدان است. در هیچ کجاگات ها خدا را با آتش یکی ندانسته است. در همه ادیان "نور" نماد خداست. در سنت یهود، خدای یهود در آتش و نور ظاهر می شود و با موسی گفت وگو می کند. در انجیل آتش در حد کمالش نمادی از خداست. در قرآن خداوند نور آسمان ها و زمین است. در اوستا نیز اهورا مزدا نور خوانده شده است. در همه اقوام ابتدایی وقتی می خواستند به خدایان نذر و فدیه بدهند آن ها را در آتش می ریختند زیرا باور داشته اند که با رفتن شعله و دود به آسمان ها، خواهش فدیه دهندگان زودتر بر آورده می شود.

زرتشتیان نور را نمادی از اهورا مزدا می دانند و در هنگام نماز به نور، خواه خورشید ماه و یا آتش نگاه می کنند. نور و روشنایی سر منزل خدایی است. با توجه به این که خدا همه جا هست، و نور خورشید همیشه بر بخشی از زمین می تابد، قبله گاه زرتشتیان نور است زیرا خدا همه جا هست و سرمنزل او جای معنی ندارد. و از این رو، نور مناسب ترین قبله گاه به نظر می رسد. نکته دیگر این است که هنگامی که یکنفر زرتشتی می گوید آتش مقدس است و نباید آلوده شود، او یک دستور مذهبی را انجام می دهد - تقدس در فرهنگ زرتشتی یعنی راستی، پاکی، سازندگی و فراوانی. همه عناصر طبیعت مقدس‌اند و باید از آلودگی حفظ شوند. آب، خاک، هوا، آتش و هر چیز دیگر. ریختن چیزهای پلید در آتش شوه آلودگی هوا(POLLUTION) می شود. امروز در هم کشورهای متمدن، جنبشی در جهت جلوگیری از POLLUTION در جریان است.

(بنابر اوستای جوان تر) کار سرنشین را انجام می‌دهد. با چنین ترکیبی، کار دادگاه عدالت به بهترین روش انجام می‌شود. زیرا مهر(میترا) به منزله چشم، سروش به منزله گوش، ورشن معرف "دَاد و راستی" است از این رو دادگاه به درستی بر همه چیز آگاه است و از روی راستی و داد، رای می‌دهد. این تعبیرهای روحانی و اخلاقی بی اندازه زیبا و پر معنی است.

مهر (میترا) از مهم ترین خدایان آریایی است که جای خودر را با نام ایزد(فرشته) در فرهنگ زرتشتی استوار کرده‌است. **درازترین یشت در نیایشِ مهر** سروده شده است. او نیرومند، کوشا، درست، باشکوه و بدون گذشت است. از نظر اخلاقی، میترا پاسدار راستی (از این بابت همکار رشن)، و پاسدار پیمان(قرارداد) است. هر کس پیمان شکنی کند، مورد باز خواست میترا است و تنبیه می‌شود. از نظر دنیایی ، میترا پاسدار نور(از این بابت همکار ایزد هْوَرَخْشِتا یا خورشید)، ونگهبان کشتزارهاست.

سروش، آموزگار و پیام آور دین است. او گوش جهانی همه نیکوکاران (اشوان) و آورنده پیام های اهورایی برای آن هاست. زرتشت آرزو می‌کند که مردمان آن گونه رفتار کنند که سروش با همه‌ی آن ها در ارتباط باشد.

در اوستا ایزدانی منسوب به وجدان و دین (**دَانا**)، دانش (**چیستی**)، بخشندگی (**رَتا**)، صلح و آشتی (**آخْشْتی**)، پیروزی(**ورهرام یاوْرَتْرَغْنَه**)،تندرستی(**آریامَن**)، پاداش نیک(**اَشی**) و شادمانی زندگی(**رَمان**) ....هستند.

با آن چه در باره ایزدان گفته شد، و با همه زیاده روی هایی که در نیایش برخی از آن ها شده است،[۴۰] سنت نیایش ایزدان با دانستن این که آن ها فروزه و آفریده خداوند هستند پسندیده و پذیرفتنی است.

همان گونه که در جای دیگر خواهیم گفت ، در گاهنامه(تقویم) زرتشتی هر ماه سی روز و هر روز نامی دارد که چهارتای آن ها نام خداوند، شش تا نام امشاسپندان، و بیست‌تای دیگر نام ایزدان است.

برگزیده آن چه در این بخش گفته‌ایم:

اشوزرتشت به‌یک آفریننده ونگاهدارنده جهان باورداشت. آفریننده و نگاهدارنده‌ای که بر همه چیز دانا و توانا و در خور ستایش است. او در همه جا

---

۴۰ - در تیریشت اهورمزدا از ایزد تشتر در خواست می کند که به میزان باران بیفزاید!

هست. او بی کران، جهان برونی، جهان درونی و اهورایی است. او کلی است و همه هستی ها از اوست. او دست‌اندرکار « **هستی** » است ، او آغاز و انجامی ندارد.

آدمی که جزئی است، نمی‌تواند کلی (اهورامزدا) را ببیند و یا آن را به درستی تعریف کند. اهورامزدا را تنها از راه فروزه هایش می‌توان شناخت. او دهنده خوبی هاست و بدی در آستان او راه ندارد.او سازنده است و ویرانی نمی شناسد.اواز هستی خود می دهد و پدید می آورد.او گوهر و دهنده خرد ، راستی و داد ،آرامش و مهر، نیروی برگزیده و شهریاری اهورایی ،رسایی و فراگیری ،جاودانی وبی مرگی است. آفرینندگی ، دهندگی و سازندگی یک فراگرد پویا و در فروزه سپنتا مینیو همیشه با اهورامزدا بوده و هست. نظام هستی و پیشرفت بنابر قانون دگرگونی ناپذیر اشا پیوسته در جریان است . آدمی در تصویر(شبه اخلاقی) اهورامزداپدید آمده و دارنده پرتوی از فروزه های اهورایی است و این امر آدمی را همکار اهورامزدامی کند تا با کاربردن آزادی خود ، با بهره بری از خرد ، وجدان ، بینش و کارکردن ،طبق قانون اشا، جهان را پیشرفت داده، و خود به سرمنزل شادی و روشنایی برسد. آنان که به دروغ و بدکاری بگروند،به اندوه و افسوس دچار می شوند. از خود و خداوند بیگانه می گردند.

اهورامزدا جهان و آدمیان را در خرد(**وهومَن**) پدید آورد،در وجدان (**دَانا**) شکل داد، در سازندگی (**سپَنْتا مَینیو**) نمود خارجی بخشید و در راه راستی و داد(**اشا**) پیشرفت داد ، با آرامش و مهر(**آرمیتی**) هم‌آهنگی بخشید تا بانیروی اهورایی و خوبی (**خْشترا**) به رسایی (**هـَاُروتات**) و جاودانی (**اَمِرتات**) برسند.